

## حقوق و تعهدات دولت‌ها در تولید و توسعه تسلیحات

### الکترومغناطیسی از منظر حقوق بین الملل

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۲/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۳/۲۶)

رامتین اسماعیلی<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، ایران

#### چکیده

در این مقاله هدف بررسی ابعاد حقوقی استفاده از سلاح‌های الکترومغناطیسی در حقوق بین‌الملل است و سوال اساسی که در این زمینه مطرح و مورد بررسی قرار گرفته این است که رژیم حاکم بر کاربرد تسلیحات الکترومغناطیسی در حقوق بین‌الملل چیست؟ که با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی آن پرداخته شده است. نتایج پژوهش بیانگر این امر است که رژیم حقوقی ویژه‌ای در خصوص تولید و کاربرد تسلیحات الکترومغناطیسی تدوین نشده است. به‌رغم وجود قواعد عام و خاص در حقوق بین‌الملل درباره تسلیحات نامتعارف از جمله سلاح الکترومغناطیسی، وضعیت معاهدات بین‌المللی در این باره هنوز شفاف و بی‌چون وچرا نیست. با اینکه درباره سایر تسلیحات نامتعارف نظیر تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک، توافقات خوب و قابل‌قبولی شکل گرفته است اما در زمینه تسلیحات الکترومغناطیسی همچنان لازم است بر اساس قواعد کلی حقوقی و قوانین مدون موجود اقدام کرد. علاوه بر این، این نوع تسلیحات بی‌شک بر صلح و امنیت بین‌المللی تاثیر منفی گذاشته و می‌تواند تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی باشد اگر چه ممکن است برخی از این سلاح‌ها با توجه به خلاء و یا سکوت قوانین و مقررات بین‌المللی به ظاهر، متعارف و

<sup>۱</sup> radian.es۲۰۱۵@gmail.com

قانونی محسوب شوند، ولی این به معنای مجاز بودن هرگونه استفاده از این نوع سلاح‌ها در راستای اهداف نامشروع برخی از کشورها نیست. در همین راستا در مورد حمله‌های انجام شده توسط سلاح‌های مغناطیس براساس عهدنامه‌های چهارگانه، حق طرفین در انتخاب وسایل و شیوه‌های مبارزه در درگیری‌های مسلحانه محدود است. همین مضمون در پروتکل الحاقی اول، منضم به عهدنامه‌های چهارگانه ژنو نیز تکرار شده است. بر این اساس استفاده از ابزار جنگی و تسلیحاتی که منجر به انجام حمله‌های کور به غیرنظامیان شود، ممنوع است. به علاوه در این مورد هیچ اشاره‌ای به نوع سلاح‌های مجاز و غیرمجاز به چشم نمی‌خورد.

**واژگان کلیدی:** تسلیحات الکترومغناطیسی، تعهدات دولت‌ها، حقوق بشردوستانه، صلح و

امنیت بین‌المللی

## مقدمه

مسأله تولید و توسعه تسلیحات نظامی یکی از موضوع‌های بین‌المللی است که در دوره‌های گوناگون نظرات متفاوتی را به همراه داشته است که در نهایت مسئله کنترل و توسعه تسلیحات براساس منطق جدید حقوق بین‌الملل مطرح شده است.<sup>۱</sup> آنچه طی سالیان متمادی حق تولید و توسعه تسلیحات نظامی را در عرصه بین‌المللی برای دولت‌ها ایجاد کرده، استناد به مباحثی نظیر حفظ امنیت ملی و بین‌المللی و همچنین آموزه‌هایی چون دفاع مشروع، دفاع پیش‌دستانه و بازدارندگی بوده است؛ به گونه‌ای که همزمان با پیشرفت علم در عرصه‌های مختلف و ظهور تکنولوژی‌های جدید، سلاح‌سازی نیز پیشرفت کرده و موجب تغییر ماهیت جنگ شده است. قدرت تخریب، نابودی و ویرانگری سلاح امروزی وصف‌شدنی نیست؛ به‌طوری‌که به‌کارگیری این نوع سلاح‌ها حتی می‌تواند کره زمین را از بین ببرد. تسلیحات الکترومغناطیسی، نمونه بارز این سلاح‌هاست؛ سلاح‌هایی که در حال حاضر بیشترین تهدید را برضد بشر به همراه دارند. اگرچه در ابتدای امر به نظر می‌رسید که حقوق نمی‌تواند وارد عرصه چگونگی به‌کارگیری جنگ‌افزارها شود، به تدریج و با تلاش جامعه بین‌المللی، حقوق بین‌الملل توانست در این عرصه نیز وارد شود و محدودیت‌ها یا ممنوعیت‌هایی را در عرصه تولید، توسعه و استفاده از آنها ایجاد و اعمال کند.<sup>۲</sup> ضرورت محدودسازی و کنترل تولید و توسعه تسلیحات نیز، با هدف افزایش امنیت انسانی و کاهش آثار غیرانسانی تسلیحات بر غیرنظامیان طی سالیان گذشته، جامعه جهانی را به سمت ایجاد سازکارهایی برای کنترل توسعه و تجارت تسلیحات کشانده است. از طرفی با توجه به نقش مهم و تعیین‌کننده تسلیحات به عنوان اصلی‌ترین محور امور دفاعی، نظریه‌های مرتبط با

<sup>۱</sup> گودرزی رثوف، هادی. (۱۳۹۷). تولید و توسعه تسلیحات نظامی از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل. رساله دکتری دانشگاه علامه.

<sup>۲</sup> شریفی طراز کوهی، حسین؛ گودرزی رثوف، هادی. (۱۳۹۶). واکاوی حق دولت‌ها در تولید و توسعه تسلیحات نظامی از منظر حقوق بین‌الملل. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۰ (۳۶)، ۱۵۳-۱۷۹.

قدرت نظامی نیز بر همین اساس شکل گرفته‌اند.<sup>۱</sup> رهیافت خلع سلاح، بر اندیشه‌ها و گرایش‌های آرمان‌گرایانه افراد همچون ایمانوئل کانت و وودرو ویلسون مبتنی است درحالی که رهیافت «کنترل تسلیحات» برگرفته از رویکرد واقع‌گرایی و ناشی از عملکرد ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در دوره جنگ سرد در نیمه دوم سده بیستم میلادی است. با رخ دادن دو جنگ جهانی خانمان‌سوز در نیمه اول سده بیستم، ناتوانی رهیافت خلع سلاح و ناکارآمدی رویکرد آرمانگرایی در تأمین صلح و امنیت بین‌المللی بیش از پیش برای اندیشمندان و کارگزاران مسائل بین‌المللی روشن شد و رهیافت کنترل تسلیحات طرفداران بیشتری پیدا کرد.<sup>۲</sup> حق دولت‌ها در تولید، انباشت و توسعه تسلیحات نظامی از منظر حقوق بین‌الملل از طرفی و همچنین خلع سلاح و کنترل تسلیحات از سویی دیگر در اواخر قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، از مباحث مهم در عرصه استراتژیک بوده است.<sup>۳</sup> تلاش‌هایی در این زمینه و در سطح سلاح‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای و اغلب از سوی سازمان ملل متحد، دو کشور آمریکا و شوروی و سایر کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی صورت گرفته است.<sup>۴</sup> اما با توجه به این که گسترش تسلیحات الکترومغناطیسی به‌طور قابل توجهی در سراسر کشورها افزایش یافته است و همانطور که از نام آن پیداست، تسلیحات الکترومغناطیسی می‌تواند به صورت لیزر، تکانه-های الکترومغناطیسی، امواج مایکروویو پر قدرت و غیره نیز باشد که آثار استفاده روزافزون از سلاح‌های الکترومغناطیسی و پیشرفت‌های اخیر آن‌ها، مسائل مهمی را در رابطه با این که آیا این سلاح‌ها می‌توانند در حیطه اختیارات هر رژیم کنترل تسلیحات قرار گیرند، ایجاد نموده است. با توجه به این واقعیت که قوانین موجود نگرانی‌های ناشی از استفاده از

<sup>۱</sup> سلیمان‌زاده، احمدرضا (۱۳۹۳). سلاح‌های کشتار جمعی، پژوهشکده باقرالعلوم.

<sup>۲</sup> شفیع، نوذر؛ زهرا دولت‌خواه. (۱۳۹۲). تبیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری معاهده تجارت تسلیحات. راهبرد. ص ۱۴۲.

<sup>۳</sup> بلوچی، حیدرعلی. (۱۳۸۲). جایگاه خلع سلاح و کنترل تسلیحات در تئوری‌های روابط بین‌الملل. فصلنامه سیاست خارجی، س ۱۷، ش ۱. ص ۱۵۰.

<sup>۴</sup> شریعت‌زاده، امید. (۱۳۸۹). طرح ابتکار امنیت تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی در حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه. ص ۷.

سلاح‌های الکترومغناطیسی را برطرف نمی‌کنند، ضروری است که سلاح‌های الکترومغناطیسی در چارچوب یک رژیم کنترل تسلیحات جدید قرار گیرد. هرچند به نظر میرسد که تسلیحات الکترومغناطیسی به طور خاص در حقوق بین‌الملل ممنوع نشده‌اند اما اصول کلی حقوق جنگ همچنان بر استفاده از آنها اعمال می‌شود و این مسئله نیازمند بررسی بیشتر و تدوین قوانین و مقررات روشن‌تر است. لذا سوالی که در این زمینه مطرح است این است که رژیم حاکم بر تولید و توسعه تسلیحات الکترومغناطیسی در حقوق بین‌الملل چیست؟ که در این مقاله بدان پرداخته میشود.

### بخش اول: تسلیحات الکترومغناطیسی

فرستنده‌های مخابراتی، سیستم‌های رادار و فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی که با فرکانس بالا نوسان دارند، میدانهای الکترومغناطیس شدیدی تولید می‌کنند که درفاصله فرکانس‌های Mhz تا Ghz قرار دارند. انرژی الکترومغناطیسی توسط بدن جذب می‌شود و به انرژی حرارتی تبدیل می‌گردد که اگر میزان جذب انرژی از حدود  $4\text{W/m}^2$  بیشتر شود، دمای بدن را به اندازه ۱ تا ۲ درجه سانتی گراد افزایش می‌دهد. لذا، از این امواج در فرکانس‌های نزدیک به ۲۷ Mhz و ۲۵۰ Mhz برای مقاصد درمانی استفاده می‌شود.<sup>۱</sup> فرکانس‌های Extra low frequency در حدود ۵۰ تا ۸۰ هرتز، خطرناکترین فرکانس‌ها برای بدن می‌باشند. در این فرکانس‌ها جریانهای بسیار کوچک باعث آثار بیولوژیک قابل توجهی می‌شوند. به عنوان مثال عبور جریان ۲۳MA در فرکانس‌های حدود ۵۰ تا ۶۰ هرتز منجر به شوک دردناک و مشکلات شدید قلبی و تنفسی می‌شود؛ درحالی که اثری مشابه در فرکانس‌های ۱۰۰ Khz با جریانی حدود ۲۰ MA ایجاد می‌شود.<sup>۲</sup> از سوی دیگر سلاحها و دستگاههایی جهت آسیب‌رسانی به انسانها و وسایل الکترونیک وجود دارد، نظیر E- Bomb و دستگاههایی مخصوص که از آنها برای ایجاد شوک، کنترل ذهن و عدم

<sup>۱</sup> Polk CE. Biological effects of electromagnetic fields. ۲nd ed. Boca Raton. IL, CRC; ۱۹۹۶. P. ۳۶۴-۳۷۰.

<sup>۲</sup> کیانی، علی، آثار بیولوژیک امواج رادیویی و مایکروویو بر انسان، طب نظامی سال سوم شماره ۱-۲، ۱۳۸۰، ۷۹-۷۳.

هوشیاری استفاده می‌شود.

### بند اول: کنترل تسلیحات و حق تامین امنیت ملی

عدم تولید و توسعه تسلیحات نظامی و به عبارتی اصطلاح خلع سلاح، به رهیافت پیشینه داری اشاره دارد که هدف آن، از بین بردن امکان وقوع جنگ از طریق نابودی یا کاهش حداکثری سلاحها و جنگافراهاست. خاستگاه اصلی این رهیافت، رویکرد آرمان‌گرایی<sup>۱</sup> در- روابط بین‌الملل است که باور دارد با نابودی تجهیزات و تسلیحات نظامی، جنگ نیز از زندگی بشر رخت برخواهد بست. در اندیشه آرمان‌گرایان، سلاح بواسطه کارگزاری انسان، دلیل و عامل اساسی جنگ است؛ چرا که جنگ‌افزارها

با تبدیل شدن به موضوع مسابقه تسلیحاتی، موجب تقویت ریشه اختلافها و تنشها در میان دولت‌ها می‌شوند، و هنگام بروز تنش و رویارویی، دولتمردان در اولین وهله به گزینه برخورد نظامی متوسل می‌شوند.<sup>۲</sup> از طرفی‌آنچه طی سالیان متمادی حق تولید و توسعه تسلیحات نظامی را در عرصه بین‌المللی برای دولت‌ها ایجاد کرده، استناد به مباحثی نظیر حفظ امنیت ملی و بین‌المللی و همچنین آموزه‌هایی چون دفاع مشروع، دفاع پیشدستانه و بازدارندگی بوده است؛ به گونه‌ای که هم‌زمان با پیشرفت علم در عرصه‌های مختلف و ظهور تکنولوژی‌های جدید، سلاح‌سازی نیز پیشرفت کرده و موجب تغییر ماهیت جنگ شده است. قدرت تخریب، نابودی و ویرانگری سلاح امروزی وصف شدنی نیست؛ به طوری که به کارگیری این نوع سلاحها حتی می‌تواند کره زمین را از بین ببرد. سلاحهای کشتار جمعی، نمونه بارز این سلاحهاست؛ سلاحهایی که در حال حاضر بیشترین تهدید را برضد بشر به همراه دارند. اگرچه در ابتدای امر به نظر می‌رسید که حقوق نمی‌تواند وارد عرصه چگونگی به کارگیری جنگ‌افزارها شود، به تدریج و با تلاش جامعه بین‌المللی، حقوق بین‌الملل توانست در این عرصه نیز وارد شود و محدودیتها یا ممنوعیت‌هایی را در عرصه تولید،

<sup>۱</sup> ازغندی و روشن دل، پیشین، ص ۲۳۱

<sup>۲</sup> Morgenthau, Hans Jauchim (۱۹۸۵). Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace, New York: knopf., p: ۴۱۹.

توسعه و استفاده از آنها ایجاد و اعمال کند.<sup>۱</sup>

### بخش دوم: رویکرد حقوق بشردوستانه و مقررات حاکم بر تسلیحات

حقوق بشردوستانه به عنوان بخشی از حقوق بین الملل، قواعد بین المللی ایجادشده از رهگذر معاهدات و عرف بین المللی است که حق طرفهای مخاصم را برای استفاده از شیوهها و وسایل نبرد محدود می سازد یا از دولت هایی که طرف مخاصمه و نیستند و یا اشخاص و اهدافی که از مخاصمه متأثر می گردند، حمایت به عمل می آورد.<sup>۲</sup> «حقوق بشردوستانه ضرورت توسل به زور را تا حد امکان محدود کرده و درصدد است تا متخاصمین را در اعمال خشونت های عمدی و بی رحمانه محدود نماید از قربانیان جنگ حمایت کند. هرچند که بازهم جنگ به عنوان یک پدیده غیرقابل اجتناب باقی خواهد ماند. اساساً «حقوق بشردوستانه، مجموعه قواعد بین المللی است که ضمن تعیین حقوق افراد انسانی و کشورها در مخاصمات مسلحانه اعم از بین المللی و غیر بین المللی نیز روشن می کند».<sup>۳</sup>

### بخش سوم: مسئولیت بین المللی دولت ها در کاربرد تسلیحات الکترومغناطیسی

#### بند اول: مسئولیت بین المللی دولت ها در کاربرد تسلیحات الکترومغناطیسی

#### مطابق حقوق بشر و کرامت ذاتی انسان

در مرحله کنونی تکامل حقوق بین الملل، نوع بشر (بشریت) جای کشورها به عنوان موضوع حقوق بین الملل، را گرفته است. کشورها دیگر تنها موضوعات حقوق بین الملل نیستند؛ امروزه کشورها در کنار سازمانهای بین المللی و افراد و گروهایی از افراد قرار دارند؛ علاوه بر این، نوع بشر به یکی از موضوعات حقوق بین الملل تبدیل شده است. در نتیجه، نوع بشر نیز با کشورها، بدون جایگزینی، همزیست آنها شده است؛ کشورها دیگر نمی توانند بدنبال منافع خود به عنوان تنها انگیزه برای شکل گیری حقوق بین الملل باشند. در واقع، تعقیب منافع

<sup>۱</sup> سلیمان زاده، احمد رضا، سلاحهای کشتار جمعی، پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۳

<sup>۲</sup> عبداللّهی، محسن، تروریسم حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، تهران: شهر دانش، ۱۳۸۸، ص ۲۴۶.

<sup>۳</sup> عبداللّهی، پیشین، ص ۲۴۶.

ملی بر اثر بخشی حقوق بین الملل تاثیر می گذارد، اما منافع هر کشوری نمی تواند مانع یا غالب بر تحقق منافع عمومی و برتر جامعه بین المللی در مسائلی که مستقیماً مربوط به جامعه بین المللی است، شود. تجربه نشان میدهد وقتی منافع عمومی از قبیل موارد فوق، توسط کشورها و یا دیگر موضوعات حقوق بین الملل به درستی در نظر گرفته و غالب شوند، به پیشرفت حقوق بین الملل کمک می کنند. زمانی که منافع برتر و عمومی نوع بشر به درستی درک شده اند، به سختی می توان پیشرفت های حقوق بین الملل در دهه های گذشته را انکار کرد. کشورها نیز، به نوبه خود، هر زمان که ملاحظات اساسی بشریت و منافع کلی جامعه بین المللی به عنوان یک کل را بالاتر از منافع فردی خود قرار داده اند، به این پیشرفت کمک نموده اند. در این رابطه، هدف نهایی، تامین امنیت و تفوق منافع و اساسی ترین ارزش های جامعه بین المللی به عنوان یک کل است.<sup>۱</sup> ممنوعیت مطلق نقض فاحش حقوق بشر نشان می دهد که انسانها و جامعه بین المللی، در مسیر خود در طول تاریخ، لازم دانستند آن را یکبار و برای همیشه، غیر قانونی اعلام کنند. در این موارد، منکران و شکاکین اگر بنیان اساسی حقوق و ضرورت پیشرفت آن را قبول دارند، باید به توافق برسند.<sup>۲</sup> در واقع، تعهدات بین المللی مربوط به حمایت از ارزشهای اساسی جامعه بین المللی وجود دارد که مجزا از تعهدات بین المللی دیگر است. از این رو، مفاهیمی مانند تعهدات قاعده عام منبث از قواعد آمره، در حقوق بین الملل معاصر پدیدار شده اند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> Simma, B. From bilateralism to community interest in international law ,RCADI, ۱۹۹۴, vol. ۲۰۰, p. ۱۸.

<sup>۲</sup> M. Laches ,The Development and General Trends of International Law in Our Time , ۱۶۹. RCADI, ۱۹۸۰, p. ۲۰۵

<sup>۳</sup> C.Tomushcat, Obligations Arising for States without or against Their Will ۲۴۱ RCADI (۱۹۹۳) p. ۲۲۴.

## بند دوم: مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در کاربرد تسلیحات الکترومغناطیسی

### مطابق عرف بین‌الملل و دکترین حقوقی

قواعد عرفی بین‌المللی حقوق مخاصمات مسلحانه قواعدی لازم الاجرا برای تمام دولت‌هاست و از طریق نحوه عملکرد دولت‌ها در طی سالها سرچشمه گرفته و به وسیله دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا یا سایر مراجع بین‌المللی شناسایی شده‌اند. کميته بین‌المللی صليب سرخ در ۲۰۰۵ با انتشار کتابی به نام مجموعه قواعد عرفی حقوق بشردوستانه بین‌المللی، که حاصل پروژه پژوهشی درباره شناسایی قواعد عرفی حقوق بشردوستانه بین‌المللی است، توسط تعدادی از کارشناسان خبره و مسلط در این رشته جمع‌آوری شده است و ۱۶۱ قاعده عرفی در حقوق بشردوستانه بین‌المللی را معرفی کرده است. از بین ۱۶۱ قاعده عرفی جمع‌آوری شده به وسیله صليب سرخ به جز یکی دو قاعده بقیه قواعد مورد توافق و پذیرش دولت‌ها و محاکم بین‌المللی‌اند و استنادهای بسیاری به این مجموعه قواعد گردآوری شده از سوی صليب سرخ از نخستین روزهای انتشار آن در ۲۰۰۵ آغاز شده است.<sup>۱</sup> در این مجموعه، عرف بین‌المللی برخی تسلیحات خاص را ممنوع اعلام کرده است. بنابراین، دولت‌ها در حین بازبینی حقوقی تسلیحات خود حسب ماده ۳۶ پروتکل اول بایستی به آن توجه کافی داشته باشند. در این مجموعه از قواعد عرفی بین‌المللی، از سلاح‌های سمی (قاعده ۷۲)، میکروبی (قاعده ۷۳) و شیمیایی (قاعده ۷۴) گرفته تا تله‌های انفجاری (قاعده ۸۰) و سلاح‌های لیزری (قاعده ۸۶) ممنوع اعلام شده است.<sup>۲</sup> از این رو، دولت‌هایی که عضو برخی معاهدات ممنوع‌کننده تسلیحات نشده‌اند، طبق قواعد عرفی بین‌المللی از داشتن این تسلیحات منع می‌شوند.

<sup>۱</sup> ممتاز، دکتر جمشید، نقش و کاربرد امروزین حقوق بین‌المللی بشر دوستانه عرفی - مجموعه مقالات همایش حقوق بین‌المللی بشر دوستانه عرفی - مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۰.

<sup>۲</sup> Henckaerts, Jean Marie and Doswald beck Louise-۲۰۰۹-Customary international Humanitarian Law-Cambridge university press., pp; ۲۵۱- ۲۹۲.

دکترین حقوقی قرن بیستم بر این مسئله تأکید دارد که افراد ضمن اینکه موضوعات حقوق در سطح بین‌المللی هستند، دارای تعهداتی نیز هستند که حقوق بین‌الملل بر آنها تحمیل کرده است. آنچه که بیشتر قابل توجه می‌نماید، نقض آن تعهدات است که در جنایت علیه بشریت منعکس شده است و مستلزم مسئولیت کیفری فردی بین‌المللی، مستقل از هر گونه قوانین داخلی درباره آن مسئله می‌باشد.<sup>۱</sup> تحولات معاصر در حقوق کیفری بین‌المللی در واقع، بیانگر تبلور مستقیم هر دو مسئولیت کیفری فردی بین‌المللی و اصل صلاحیت قضایی جهانی است. تصمیم شورای امنیت سازمان ملل متحد برای ایجاد دادگاه‌های جنایی بین‌المللی موقت در قزاقیای یوگسلاوی سابق (۱۹۹۳) و رواندا (۱۹۹۴) و تاسیس بعدی دادگاه جنایی بین‌المللی دائمی (مطابق با اساسنامه رم در سال ۱۹۹۸) برای قضاوت در مورد کسانی که مسئول نقض جدی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند، انگیزه جدیدی برای مبارزه جامعه بین‌المللی علیه مصونیت از مجازات نقض حقوق بشر، علاوه بر تأکید مجدد بر اصل مسئولیت کیفری فردی بین‌المللی به خاطر چنین نقضی و نیز برای جلوگیری از جنایات در آینده، را ایجاد نمود.<sup>۲</sup> حقوق سنتی مبتنی بر مسئولیت دسته جمعی بوده است و نتیجه این طرز فکر، اقدامات متقابل دسته جمعی در حقوق بین‌الملل کلاسیک می‌باشد: اقدام تلافی جویانه سربازان دشمن در حین نبرد، و جبران خسارات ناشی از جنگ نامشروع پس از پایان درگیری‌ها. در پی تحولات انسانی شدن حقوق بین‌الملل، حقوق بشر دوستانه‌ی زمان جنگ از قالب دولت محوری خارج شده، و مسئولیت کیفری فردی ناشی از نقض قواعد آن امروزه دیگر جنبه‌ی کاملاً عرفی پیدا کرده است. این نظام حقوقی تصریحاً در پی منافع افراد انسانی است.

<sup>۱</sup> Bassioni, M.Ch, crimes against humanity in international criminal law, ۲nd.Rev.ed, the hague, kluwer, ۱۹۹۹; p.۱۰۷.

<sup>۲</sup> M.C. Bassiouni, "From Versailles to Rwanda in Seventy- Five Years: The Need to Establish a permanent International Criminal Court", ۱۰ Harvard Human Rights Journal (۱۹۹۷) p.۱۱.

## **بند سوم: مسئولیت بین المللی دولت ها در کاربرد تسلیحات الکترومغناطیسی**

### **مطابق قواعد حقوق بین الملل**

حقوق مخاصمات مسلحانه در راستای رسالت خود برای قانونمند کردن جنگ ها، حفاظت بیشتر از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی مکلف به نظارت بر تسلیحات است. این نظارت از اعلامیه سن پترزبورگ در ۱۸۶۴ آغاز شد و تا به امروز نیز ادامه دارد. اما مسلم است که اگر این نظارت از بدو تولید یا حتی تحقیقات مربوط به تولید یک سلاح انجام پذیرد، کار بسیار ساده تر است و اصولا سلاح های مغایر با حقوق مخاصمات مسلحانه ساخته نخواهند شد. زمانی که دولت ها با صرف هزینه های گزاف سلاح جدیدی را تولید یا خریداری میکنند قبول این واقعیت که آن سلاح مغایر با تعهدات آن ها به موجب حقوق مخاصمات مسلحانه است و باید از روند بهره برداری خارج شود برای آن ها بسیار سخت و دشوار خواهد بود آن دولت میتواند بدون نگرانی از صرف هزینه های مالی و زمانی به اکتساب آن سلاح اقدام کند و در صورت وجود هرگونه منعی در اکتساب آن ، بدون ضرر مالی و زمانی اکتساب آن را متوقف کند. این گونه نظارت در حقوق مخاصمات مسلحانه صرفا از طریق ماده ۳۶ پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹ است. پروتکل اول الحاقی بیش از ۱۷۰ عضو دارد و بسیاری از مفاد آن جنبه عرفی پیدا کرده اند. اما ماده ۳۶ نه تنها هنوز عرفی نشده است ، بلکه اعضای پروتکل مزبور نیز تا کنون رویه های یکسان و درخور استنادی برای اجرای ماده مزبور ارائه نکرده اند.

### **الف: مسئولیت دولت ها مطابق کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹**

کنوانسیون های چهارگانه ژنو مهمترین منبع حقوقی حقوق بین الملل بشردوستانه است. حقوق بین الملل بشردوستانه تعهدی بین المللی درخصوص احترام به بشر در زمان جنگ فراهم می سازد و بدین ترتیب دولت ها نشان می دهند که می خواهند حقوق بین الملل بشردوستانه برای همگی الزام آور باشد. دو اصل اساسی در حقوق ژنو وجود دارد: اول؛ اموال، شرف و احترام غیرنظامیان غیرمسلح تا حدی که الزامات جنگ ایجاب کند، باید محترم

شمرده شود. اهمیت اصول بشردوستانه و نیازهای نظامی باید در تعادل قرار گیرند. این امر یک تنش ذاتی در حقوقی است که بعدها به پیچیدگی آن پی برده می‌شود. دوم: جایی که حقوق قراردادی اعمال نمی‌شود. ساکنین و نیروهای متخاصم تحت حمایت مقررات اصول حقوق که به عنوان عرفی که میان ملل متمدن ایجاد شده‌اند و حقوق بشردوستانه که از وجدان عمومی ایجاد شده است، می‌باشد. حقوق مخاصمات مسلحانه شیوه‌های مجاز جنگی را در قالب لیستی توأم با جزئیات نیآورده است. این مسئله حاکی از آن است که طرفین مخاصمه مجاز به استفاده از کلیه شیوه‌های جنگی‌اند که ممنوع نشده باشد. در این مفهوم، میتوان گفت که تمام اقداماتی مجازند که ممنوع نشده باشند. با این حال، این گفته را با دقت بیشتری باید مطرح کرد؛ زیرا عدم ممنوعیت صریح یک سلاح یا شیوه جنگی در حقوق مخاصمات مسلحانه مثلاً در قالب یک معاهده خاص، هرگز به معنای مجاز بودن آن سلاح یا شیوه جنگی به طور مطلق نیست؛ زیرا کلیه تسلیحات و شیوه‌های جنگی باید منطبق با قواعد کلی حقوق مخاصمات مسلحانه از قبیل اصل تفکیک (ممنوعیت حملات غیرقابل تفکیک) و اصل انسان‌دوستی باشد که در قاعده ممنوعیت ایراد خسارات غیرضروری یا شرط مارتنز تبلور یافته است. از این رو، در صورتی که ثابت شود تسلیحات یا شیوه‌های جنگی مورد نظر مغایر با یک ممنوعیت خاص یا قواعد کلی نیستند میتوان گفت که حقوق مخاصمات مسلحانه آنها را ممنوع نکرده است و به کارگیری آنها مجاز است.<sup>۱</sup> ازجمله شیوه‌های جنگی ممنوعه موارد ذیل اند:

۱. به گرسنگی کشانیدن غیرنظامیان به عنوان روش جنگی یا محروم کردن آنان از موادی که برای بقایشان ضروری است. ۲. استنکاف از امان دادن ممنوع است. این قاعده نخستین بار در مقررات لاهه عنوان شد و بعداً در پروتکل اول الحاقی هم تکرار شد. ۳. به خدمت اجباری گرفتن اتباع دشمن برای جنگیدن علیه کشور خودشان ممنوع است. این شیوه نخستین بار در مقررات لاهه مطرح و بعداً در کنوانسیون‌های ژنو نیز تکرار شد. ۴.

<sup>۱</sup> کولب، رابرت و هاید، ریچارد، درآمدی بر حقوق مخاصمات مسلحانه - ترجمه لسانی - مجلد، ۱۳۹۴، ص ۲۹۴.

سوءاستفاده از پرچم متارکه جنگ یا پرچم ، نشان ها و لباس های متحدالشکل دشمن یا سازمان ملل یا علائم مشخص کنوانسیون های ژنو به نحوی که به مرگ یا آسیب شدید به اشخاص منجر شود ممنوع است.

**ب) مسئولیت دولت‌ها مطابق پروتکل اول ۱۹۷۷ کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹**

#### **۱) الزام دولت‌ها به بازبینی حقوقی تسلیحات جدید**

تا زمان ایجاد پروتکل اول ۱۹۷۷ کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹، که ماده ۳۶ خود را به الزام دول عضو به بازبینی حقوقی تسلیحات جدید اختصاص داد، در هیچ سند بین‌المللی دیگری به این الزام دولت‌ها در بازبینی حقوقی تسلیحاتشان و مطابقت این تسلیحات با تعهدات بین‌المللی آنها اشاره‌ای نشده است. با توجه به این که اعلامیه سن پترزبورگ، همان طور که از نام آن پیداست، جنبه الزام‌آور ندارد میتوان ادعا کرد که ماده ۳۶ پروتکل اول تنها ماده‌ای در سطح حقوق بین‌الملل است که از دولت‌ها میخواهد به بازبینی حقوقی تسلیحات جدید خود اقدام کنند. در این ماده آمده است: «دول معظم متعهد در زمان انجام تحقیق، ارتقا، اکتساب یا پذیرش تسلیحات، وسایل و شیوه‌های جنگی جدید متعهدند بررسی کنند که آیا به کار بردن آن سلاح در تمام یا برخی شرایط به وسیله این پروتکل یا هر قاعده دیگری در حقوق بین‌الملل که برای آن دولت لازم‌الاجرا می‌باشد ممنوع شده است یا خیر؟»

هرچند که فاصله زمانی ۱۹۷۷ (زمان انعقاد پروتکل اول تا به امروز) معاهدات بسیاری منعقد شده است که به ممنوع یا محدودسازی سلاح هایی اعم از برخی سلاح های متعارف ، سلاح های شیمیایی، میکروبی و لیزری اقدام کرده اند، اما در هیچ کدام از این معاهدات دول عضو مکلف نشده اند که بررسی کنند سلاحی که قصد تولید یا خرید یا ارتقای آن را دارند آیا با تعهدات بین المللی آن ها مطابقت دارد یا خیر؟ (هرچند با توجه به ممنوعیت صریح تولید سلاح های شیمیایی و میکروبی، بحث تولید این گونه سلاح ها دیگر مطرح نیست). اجرای صحیح این ماده میتواند حقوق بین‌الملل را از تصویب معاهدات دیگری

دربارهٔ سلاح‌هایی که در آینده به بازار خواهند آمد معاف کند؛ زیرا در صورت رعایت قواعد محدودکنندهٔ تسلیحاتی (بدون ذکر نام سلاح خاصی) که در قواعد قراردادی و عرفی بین‌المللی آمده‌اند (مانند اصل تفکیک یا منع رنج بیهوده) سازندگان تسلیحات آینده به رعایت این محدودیتها مجبور میشوند و رعایت مادهٔ ۳۶ تضمین اجرای این محدودیتها خواهد بود. بنابراین، این ماده مانعی بر سر راه دولت‌ها برای انعقاد معاهداتی نخواهد بود که تولید، تکثیر یا استفاده از سلاحی را ممنوع کنند. در طی مذاکرات مربوط به انعقاد پروتکل، کشورهای کوچک پیشنهاد تشکیل کمیته‌ای را دادند که طبق آن استفاده از برخی تسلیحات متعارف به پیشنهاد کشورها ممنوع یا محدود شود. اما کشورهای مخالف این کار را تبدیل یک کنوانسیون حقوق بشردوستانه به یک معاهدهٔ خلع سلاحی دانستند و با آن مخالفت کردند.<sup>۱</sup> با توجه به نص صریح مادهٔ ۳۶ پروتکل اول ۱۹۷۷، در زمان بازبینی حقوقی تسلیحات از سوی دولت عضو، آن دولت مکلف است بررسی کند که به موجب این پروتکل و سایر تعهدات بین‌المللی سلاحی که قصد مطالعه، ارتقا، تولید یا خرید آن را دارد با تعهدات کشور مزبور در تعارض و مغایرت نباشد. در کنار تعهد محدود دولت‌های عضو پروتکل اول در عم استفاده از سلاح‌ها و تجهیزات خاص که مطابق استفساریه صلیب سرخ از مادهٔ ۳۵ این پروتکل، بندهای ۲ و ۳ این ماده در خصوص ممنوعیت استفاده از سلاح‌ها، شامل سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای نمیشود و فقط سلاح‌های متعارف را دربر میگیرد.<sup>۲</sup> این دولت‌ها در مقابل سایر تعهدات بین‌المللی مسئولیت دارند و باید در بازبینی حقوقی تسلیحاتشان به آن تعهدات بین‌المللی نیز توجه داشته باشند. برخی معاهدات، که بیشترشان جهان شمول اند، با اشاره به نام سلاح‌ها و وسایل جنگی خاصی استفاده از آن تسلیحات را برای اعضای خود ممنوع کرده‌اند. از این رو، دولت انجام‌دهنده به

<sup>۱</sup> Sandoz, Yves and Swinarski, Christophe and Zimmermann, Bruno, ۱۹۸۷-Commentary on the Additional Protocols to the Geneva Conventions-Martinus Nijhof, - Geneva, p; ۴۲۲.

<sup>۲</sup> Sandoz, p; ۳۹۸.

موجب ماده ۳۶ پروتکل اول بایستی این معاهدات را، که متعهد به آن هاست، مدنظر قرار دهد.

## ۲) ممنوعیت استفاده از برخی شیوه‌های جنگی

تسلیمات مشمول عمل بازبینی حقوقی بر اساس ماده ۳۶ پروتکل اول «سلاح‌های جدید، شیوه‌ها و ابزارهای جنگی» باید مورد بازبینی و نظارت حقوقی قرار بگیرند. جدید بودن یک سلاح بر اساس دو ضابطه قابل تعیین است: ضابطه اول آن است که آن سلاح برای کشوری که قصد استفاده از آن را دارد جدید باشد. بنابراین، به روز بودن فناوری یک سلاح ملاک نیست، بلکه مهم آن است که این سلاح به تازگی به دست دولت ارزیابی‌کننده رسیده باشد. هر چند که ممکن است سال‌ها از تولید اولیه آن گذشته باشد. مثلاً یک نوع خاص تانک یا تفنگ ممکن است بیست یا سی سال پیش کشوری آن را تولید کرده باشد و امروز از سوی کشور دیگری خریداری شود. بنابراین، این سلاح برای این دولت جدید به حساب می‌آید. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ پیشنهاد کرده است که دامنه عمل بازبینی به تسلیحاتی که از نظر فناوری جدید نیستند، اما برای آن دولت جدید نیز تسری یابد. از این رو، عمل بازبینی میتواند شامل تسلیحات و مهمات قدیمیتری باشد که تجدید کارایی نیز شده‌اند. دومین ضابطه سال ساخت یا خریداری آن سلاح است که باید بعد از تاریخ عضویت کشور ارزیابی‌کننده در پروتکل اول ۱۹۷۷ باشد. از این رو، کلیه تسلیحاتی که دولت عضو پروتکل اول پس از تاریخ عضویتش تولید یا خریداری میکند مشمول ماده ۳۶ پروتکل خواهند بود. بر این اساس، سلاح‌هایی که در زمان عضویت یک دولت در پروتکل اول در خدمت ارتش بوده‌اند و مورد استفاده واقع شده‌اند جدید محسوب نمیشوند و نیازی به بازبینی حقوقی ندارند. البته به نظر میرسد بازبینی حقوقی بر روی تسلیحات موجود از قبل در ارتش یک کشور، حسب پروتکل مانعی نداشته باشد، بلکه باید مورد تحسین نیز واقع شود. ارتقای یک سلاح در دوران حیاتش نیز عنوان جدید را به سلاح میدهد؛ خواه این ارتقا جنبه کاربردی داشته باشد یا

این کار برای استفاده از فناوری جدید باشد. اما اگر ارتقای یک سلاح تغییری در ماهیت کاربردی آن ندهد، مثلاً وزن آن را کاهش دهد تا نیروی نظامی راحت تر آن را حمل کند، سلاح جدید محسوب نمیشود. در استفساریه صلیب سرخ از ماده ۳۶ آمده است که منظور از «سلاح ها، ابزارها و شیوه های جنگی» ذکر شده در این ماده تسلیحاتی است که به نحو گسترده در مخاصمات استفاده میشوند. خواه این سلاح ها ضد تجهیزات باشند یا ضدنفر یا مهلک باشند یا غیرمهلک.<sup>۱</sup>

با توجه به این که ماده ۳۶ تعریفی از سلاح ارائه نمیدهد، به نظر میرسد ارائه یک تعریف از سلاح لازم باشد؛ زیرا نبود تعریف دقیق از سلاح میتواند اجرای ماده ۳۶ را با مشکل مواجه کند. عموماً دولت‌ها به این نتیجه رسیده اند که هر ابزاری که بتواند سبب ایجاد جراحت یا مرگ افراد و تخریب اموال شود سلاح محسوب میشود.<sup>۲</sup> از این رو، بیسیم های نظامی که برای برقراری ارتباط بین واحدهای نظامی به کار میروند سلاح محسوب نمیشوند. در تعاریف گوناگونی که از سلاح از سوی کشورهای گوناگون به عمل آمده است نیز عناصری همچون ایجاد جراحت در رزمندگان، کشتن رزمندگان یا ایجاد خسارت در اهداف مورد اشاره قرار گرفته اند.<sup>۳</sup> ارتش استرالیا در اجرای تعهد خود به موجب ماده ۳۶، سلاح را این گونه تعریف کرده است: «یک وسیله جنگی تدافعی یا تهاجمی که برای تخریب، ایجاد جراحت، شکست دادن یا تهدید کردن به کار میرود. این تعریف شامل سیستمهای تسلیحاتی، مهمات، شبه مهمات، تدارکات، ابزارهای هدفگیری و سایر مکانیزمهای ایجاد خسارت یا جراحت میگردد».<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> Sandoz, p; ۴۲۵.

<sup>۲</sup> Blake D, Imburgia JS (۲۰۱۰) Bloodless weapons? The need to conduct legal reviews of certain weapons and the implications of defining them as 'weapons'. Air Force Law Rev ۶۶: ۱۵۷-۲۰۴

<sup>۳</sup> McLaughlin R (۲۰۱۱) Unmanned naval vehicles at sea: USVs, UUVs, and the adequacy of the law. J Law Inf Sci ۲۱: ۱۰۰-۱۱۵, p; ۱۰۷

<sup>۴</sup> Australian Department of Defence (۲۰۰۵) Instruction (general): legal review of new weapons ۴۴-۱, p; ۱.

زمانی که دربارهٔ سلاح محسوب شدن یک ابزار شک و تردیدی به وجود آید لازم است نظر مشورتی حقوقی مقامات بازبینی کنندهٔ تسلیحات اکتساب شود. بررسی مشروعیت یک سلاح به طراحی یا اهداف مورد نظر برای ساخت آن مربوط نمیشود، بلکه صرفاً به نحوهٔ استفاده از آن سلاح در هنگام جنگ مربوط میشود. از سوی دیگر، یک سلاح ممکن است از عهدهٔ تست مشروعیت برای یک کاربرد خاص برآید. اما در خصوص کاربرد دیگر مردود شود. از این رو، در استفساریه صلیب سرخ آمده است که مقامات بازبینی کننده لازم است که تعیین کنند آیا استفاده از آن سلاح در تمام شرایط ممنوع است یا در برخی شرایط میتواند مجاز باشد؟ استفساریه در ادامه میگوید: این توقع از مقامات ارزیابی کنندهٔ مشروعیت حقوقی یک سلاح وجود ندارد که تمام موارد سوءاستفاده از یک سلاح را مشخص کنند؛ زیرا این کار غیرممکن است.<sup>۱</sup> در کتابچه راهنمای کمیته بین المللی صلیب سرخ دربارهٔ اجرای مادهٔ ۳۶ آمده است که هدف از نظارت و بازبینی تسلیحات جدید جلوگیری از کاربرد تسلیحاتی است که حقوق بین الملل را در همه شرایط نقض میکنند و همچنین محدود کردن تسلیحاتی است که حقوق بین الملل را در برخی شرایط نقض می کنند.<sup>۲</sup> یکی از استدلال هایی که مطرح شده است این است که استفاده از حرف ربط «یا» در عبارت «تمام یا برخی شرایط» در متن مادهٔ ۳۶ میتواند این اختیار را به دولت ها بدهد که بررسی مشروعیت یک سلاح جدید را در تمام یا صرفاً برخی شرایط بررسی کنند. واضح است که بازبینی یک سلاح در زمان استفاده از آن در برخی شرایط بسیار آسانتر از ارزیابی آن سلاح در تمام شرایط است. از این رو، بنظر میرسد استفاده از حرف ربط «یا» به قصد اعطای حق انتخاب به دولت ها نبوده و منظور همان «و» است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> Sandoz,.,p;۴۲۷.

<sup>۲</sup> ICRC, ۲۰۰۶, A guide to the legal review of new weapons, means and methods of warfare: Measures to implement article ۳۶ of additional protocol ۱ of ۱۹۷۷-International Committee of the Red Cross-Geneva..p;۹۳۳.

<sup>۳</sup> Fry JD (۲۰۰۶) Contextualized legal reviews for the methods and means of warfare: cave combat and international humanitarian law. Columbia J TransnatlLaw ۴۴:۴۵۳-

تعهد دولت‌ها حسب ماده ۳۶ نه تنها بررسی طبیعت ذاتی هر سلاح است، بلکه نحوه کاربرد آن سلاح را نیز باید شامل شود؛ زیرا ممکن است نتیجه عمل بازبینی و نظارت این باشد که خود سلاح ذاتا سلاح مشروعی است، اما استفاده از آن در برخی شرایط ممنوع است. هرچند در سایر شرایط ممکن است مجاز باشد.<sup>۱</sup> مثلاً هیئت بازبینی و نظارت حقوقی بر تسلیحات در سوئد استفاده از برخی جنگ افزارها از سوی ارتش این کشور را نامشروع دانسته است، اما استفاده از همین جنگ افزارها را برای نیروی پلیس مجاز میدانند و استدلال میکند که اصل تفکیک بین نظامی و غیرنظامی استفاده از تسلیحات خاصی را بین متخاصمان ممنوع میداند. اما این اصل درباره عملیات پلیسی که در شهرها و بین غیرنظامیان انجام میگردد قابل استناد نیست؛ زیرا هدف عملیات پلیس حفظ نظم عمومی و امنیت برای غیرنظامیان است. نمونه آن اسپری فلفل است که این هیئت استفاده از آن را برای ارتش ممنوع، اما برای پلیس مجاز دانسته است.<sup>۲</sup>

مسئله دیگر درباره دولت‌های تولیدکننده تسلیحات است. آن‌ها همان طور که بیان شد مکلف به اجرای فرایند بازبینی حقوقی‌اند. اما ملاک دیگری نیز بیان شد و آن ملاک استفاده از سلاح بود. بدین صورت که دولت‌ها زمانی که قصد استفاده از سلاحی را دارند باید آن را بر اساس ماده ۳۶ داخل پروسه بازبینی حقوقی تسلیحات قرار دهند. کلمه استفاده بارها در کنفرانس دیپلماتیک ایجادکننده پروتکل اول ۱۹۷۷ و در استفساریه صلیب سرخ ذکر شده است.<sup>۳</sup> دلیل طرح این مطلب آن است که اگر دولتی به تولید سلاحی اقدام کند که میدانند اگر مطابق ماده ۳۶ آن سلاح را مورد بازبینی حقوقی قرار دهد، مردود خواهد شد اما آن دولت فقط به قصد صادرات آن سلاح را تولید کند و هرگز

۵۱۹، p; ۴۷۲.

<sup>۱</sup> Boothby, William (۲۰۰۹) Weapons and the law of armed conflict. Oxford University Press, Oxford., p; ۳۴۴.

<sup>۲</sup> Jacobsson, Marie -۲۰۰۶- Modern Weaponry and Warfare: The Application of article ۳۶ of additional protocol ۱ by governments-International law studies-vol. ۸۲, p; ۱۸۹.

<sup>۳</sup> Sandoz, p; ۴۳۰.

قصد استفاده از آن را نداشته باشد، آیا تولید این سلاح مجاز است؟ به نظر میرسد پاسخ این سؤال مثبت است؛ زیرا کشور تولیدکننده قصد استفاده از آن سلاح را ندارد و هر کشوری که آن را بخرد خود پروسه بازبینی را انجام خواهد داد (البته به شرطی که عضو پروتکل اول باشد). اما تولید سلاحی که از عهده بازبینی حقوقی دولت‌ها موفق بیرون نخواهد آمد به نظر کاری غیراقتصادی است؛ زیرا امروزه بیش از ۱۷۲ دولت عضو پروتکل اول اند و الزام به اجرای ماده ۳۶ آن دارند و اگر دولتی برای تولید چنین سلاحی سرمایه گذاری کند، موفق نخواهد بود.

### **بند دوم: مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در کاربرد تسلیحات الکترومغناطیسی مطابق رویه قضایی**

ممنوعیت کامل اقدامات تلافی جویانه در پروتکل الحاقی اول به وضوح با دشواریهای فراوان همراه بوده است. همانگونه که آلدریچ نوشته علی‌رغم «محدودیتها، مخاطرات، و بی انصافی‌های اقدامات تلافی جویانه»<sup>۱</sup> این عمل تنها ابزار ترمیمی و چاره سازی است که دولت قربانی می تواند است برای وادار کردن دشمن به رعایت حقوق، به آن توسل جوید. در شرایط حاد، آن دولت ممکن است مجبور به تهدید اقدامات تلافی جویانه و در صورت موثر نبودن بدون توجه به قانون، به انجام عمل اقدامات تلافی جویانه اقدام نماید»<sup>۲</sup>. با این وجود، دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق قویاً از ممنوعیت اقدامات تلافی جویانه علیه غیرنظامیان با استناد به حقوق عرفی حمایت نمود. یکی از آرای دادگاه مزبور که در سال ۱۹۹۶ صادر شد بیان میکند که ممنوعیت اقدامات تلافی جویانه علیه جمعیت غیرنظامی و شهروندان عادی جزء لاینفک حقوق عرفی است و باید در همه مداخلات مسلحانه رعایت شود حتی اگر طرف مقابل مبادرت به انجام این عمل متخلفانه کرده باشد.<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> George Aldrich, Compliance with International Humanitarian Law, Int'l. Rev. Red Cross, no. ۲۸۲, May-June ۱۹۹۱, at ۳۰۱

<sup>۲</sup> Id. at ۳۰۲

<sup>۳</sup> The Prosecutor v. Milan Martić, Case No. IT-۹۵-۱۱-R۶۱, para. ۱۷ (Decision of March

قاضی آنتونیو کاسسه رئیس دیوان در قضاوتی دیگر که در سال ۲۰۰۰ انجام شد پیشنهاد نمود که تعقیب و مجازات جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت در دادگاههای ملی و بین‌المللی میتواند به عنوان وسیله ای برای وادار کردن ناقضان به تبعیت از حقوق بین الملل، جایگزین موثر، عادلانه، همه گیر و در دسترس برای اقدامات تلافی جویانه شود.<sup>۸</sup> با این وجود در اوضاع و احوال کنونی دنیا بعید است متحاربینی که تحت فشار حملات مداوم طرف دیگر به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی خود هستند بپذیرند که تعقیب قضایی طرف ناقض کنوانسیون در آینده به اندازه کافی برای قطع و دست کشیدن او از حملات کافی باشد. قاضی کاسسه در همان حکم بررسی نمود که آیا همانگونه که عده ای از علما عقیده دارند، مقررات پروتکل اول که اقدامات تلافی جویانه را منع می‌کنند جزء حقوق عرفی هستند یا خیر. او ملاحظه نمود که در زمانی که کنوانسیون تصویب شد، ممنوعیت اقدامات تلافی جویانه علیه اهداف غیرنظامی به نظر نمی‌رسید که حقوق بین الملل اعلامی بوده باشند و اینکه بعد از آن زمان رفتار دولتها آن را به قاعده عمومی حقوق بین الملل تبدیل کرده باشد، پدیدار نشده است. با اینحال او عقیده دارد که اثر ترکیبی شرط مارتنس و اجماع حقوقدانان (عنصر معنوی عرف) میتواند این ممنوعیت را به حقوق عرفی منتقل نماید و قدرتهای نظامی بزرگ را که هنوز پروتکل اول را تصویب نکرده‌اند یا از ممنوعیت اقدامات تلافی جویانه ناخوشنودند متعهد به آن گرداند حتی اگر رفتار و رویه دولتها محدود و متناقض (که اثبات خلاف هر دو برای تشکیل عرف لازم است) یعنی تکرار در طول زمان و رفتار مشترک) بوده باشد. اما با در نظر گرفتن نادر بودن رفتار و دیدگاههای متضاد دولتها و حقوقدانان، استناد به شرط مارتنس ممکن است برای توجیه این نتیجه کافی نباشد. البته، این سوال که چه اعمالی اقدامات تلافی جویانه محسوب میشوند نیز در نظر گرفته شود. حقوق دقیقاً اقدامات تلافی جویانه را تعریف کرده که عبارت است از انجام اقداماتی

۸، ۱۹۹۶).

<sup>۱</sup> Prosecutor v. Kupreskić, No. IT-۹۵-۱۶-T, Judgement, para. ۵۳۰ (Jan. ۱۴, ۲۰۰۰).

توسط یک طرف براساس اصل تناسب که عکس‌العمل او به نقض مقررات از جانب طرف دیگر بوده و جهت وادار نمودن طرف ناقض مقررات به دست برداشتن از نقض بیشتر صورت می‌گیرد. توسل به کینه و خونخواهی محض همواره ممنوعند اگرچه بارها تکرار شده باشند. علاوه بر این آراء دیوان دادگستری بین‌الملل نیز در انسانی شدن حقوق بین‌الملل تاثیرگذار بوده است. در ۱۴ ماه مه ۱۹۹۳، مجمع بهداشت جهانی اقدام به صدور قطعنامه‌ای نمود و نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری را در خصوص این مسأله که آیا استفاده از سلاحهای هسته‌ای توسط دولتی در جنگ، با توجه به آثار بهداشتی و زیست‌محیطی آن، نقض تعهدات این دولت براساس حقوق بین‌الملل و از جمله اساسنامه سازمان بهداشت جهانی می‌باشد یا خیر، جویا شد. دیوان بین‌المللی دادگستری ضمن اشاره به تاریخچه شرط مارتنس<sup>۱</sup> ادامه درج آن در معاهدات بشردوستانه را تأکیدی بر این امر دانست که اصول و قواعد حقوق بشردوستانه، در خصوص سلاحهای هسته‌ای نیز قابل اعمال می‌باشد<sup>۲</sup>. این تفسیر مضیق دیوان از شرط مارتنس، مشابه تفسیری است که قدرتهای هسته‌ای در جریان مباحثات دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح نمودند و کوشیدند شرط مارتنس را به گونه‌ای تفسیر نمایند که مغایرتی با کاربرد سلاح هسته‌ای نداشته باشد. بدین ترتیب، شرط مارتنس نیز نمی‌تواند به تنهایی در خصوص ممنوعیت استفاده از سلاح هسته‌ای مورد استفاده قرار گیرد. دیوان پس از بررسی قواعد بشر دوستانه، در نتیجه‌گیری اعلام نمود: «استفاده از چنین سلاحهایی به سختی قابل جمع با چنین الزاماتی می‌باشد. با این وجود، دیوان توجه می‌کند که عناصر کافی برای نتیجه‌گیری قطعی در این خصوص که استفاده از سلاحهای هسته‌ای الزاما مغایر اصول و قواعد حقوقی قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه در تمامی شرایط می‌باشد را در اختیار ندارد»<sup>۳</sup>.

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود در خصوص این اصل اظهار داشت: «هدف

<sup>۱</sup> I.C.J.Reports,p.۸۲,paras.۸۷.

<sup>۲</sup> Ibid.,p.۰۳,Pra.۷۸.

<sup>۳</sup> Ibid.,p.۲۳,Para.۵۹

اولین اصل، حمایت از جمعیت غیرنظامی و اهداف غیرنظامی می‌باشد و تفکیکی بین رزمندگان و غیررزمندگان قائل می‌شود. دولتها هرگز نباید افراد غیررزمنده را هدف حمله قرار دهند و در نتیجه هرگز نباید از سلاحهایی استفاده کنند که قادر به تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی نمی‌باشند.<sup>۱</sup> دیوان همچنین افزود که «بر فرض وجود سلاحهای هسته‌ای نسل جدید که قادر به رعایت اصل تفکیک باشند، شرایط حاکم بر استفاده از آنها بیان نشده و حتی چنین استفاده محدودی ممکن است به یک جنگ تمام عیار هسته‌ای و استفاده از انواع قدیمی این اسلحه منجر شود و بر این اساس این ادعا را فاقد مبنای لازم برای بررسی دانست<sup>۲</sup>».

دومین اصل بنیادین، ممنوعیت ایجاد رنج بیهوده می‌باشد. این ممنوعیت برای نخستین بار در مقدمه اعلامیه سن پترزبورگ (۱۸۶۸) ذکر شد. سپس در بند «ه» ماده ۲۳ مقررات ۱۹۰۷ لاهه و در نهایت بر اساس بند ۲ ماده ۳۵ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو مورد تأیید مجدد قرار گرفت. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در نظریه مشورتی خود اعلام داشت: «بر اساس دومین اصل، وارد نمودن رنج بیهوده به رزمندگان ممنوع می‌باشد. در نتیجه، استفاده از سلاحهایی که چنین رنجی را به آنان وارد می‌کند و یا بدون هیچ فایده‌ای رنج آنها را تشدید می‌نماید، ممنوع است. به منظور اجرای اصل دوم، دولتها از آزادی نامحدود در انتخاب سلاحهایی که مورد استفاده قرار می‌دهند، برخوردار نیستند.<sup>۳</sup>»

از سوی دیگر، در جریان رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری، گروهی از دولتها بر آن بودند تا با استفاده از ممنوعیت سلاحهای سمی، بیولوژیک و شیمیایی، ممنوعیت سلاح هسته‌ای را نیز به دست دهند. دیوان بین‌المللی دادگستری در این زمینه اظهار داشت: «دیوان به این نکته توجه می‌کند که مقررات منضم به کنوانسیون شماره ۴ لاهه

<sup>۱</sup> I.C.J.Reports, Op.Cit., p. ۸۲, para. ۸۷

<sup>۲</sup> Ibid., p. ۲۳, Para. ۴۹

<sup>۳</sup> Ibid., p. ۸۲, Pra. ۸۷

تعریفی از سم یا سلاح سمی به عمل نمی‌آورد و تفاسیر گوناگونی در این زمینه وجود دارد. همچنین پروتکل ۱۹۲۵ معنایی را که باید به عبارت «مواد یا وسایل مشابه» داد، مشخص نمی‌کند. در رویه دولتها، این عبارت در معنای معمولی خود به کار رفته‌اند و سلاحهایی را در بر می‌گیرند که اثر اولیه و یا حتی انحصاری آن سمی یا خفه‌کننده است. این رویه کاملاً مشخص است و دول عضو این معاهدات این واژه را اشاره به سلاحهای هسته‌ای تلقی نکرده‌اند. با توجه به این نکته، به نظر دیوان استفاده از سلاحهای هسته‌ای را نمی‌توان بر مبنای مواد فوق‌الذکر... ممنوع تلقی کرد.<sup>۱</sup> در جریان رسیدگی دیوان نیز قدرتهای هسته‌ای به شدت با تسری ممنوعیت پروتکل ۱۹۲۵ و دیگر قواعد موجود به سلاحهای هسته‌ای مخالفت کردند.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اسنادهای بسیاری به مجموعه قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌کند، که این قواعد برخی تسلیحات خاص را ممنوع اعلام کردند و دولتها حین بررسی حقوقی سلاحهای خود باید این موارد را مدنظر داشته باشند. به علاوه، فالک در نظریه‌ی خود فرآیند انسانی شدن حقوق بین‌الملل و پرهیز از سیاست زدگی را بیان می‌کند و مسئولیت کیفری فردی را ابزاری برای حفظ صلح می‌داند. همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در قضیه‌ی استفاده از سلاح‌های هسته‌ای اعلام کرد که شرایط خاصی برای استفاده از سلاح‌های نوین که قادر به اعمال اصل تفکیک نیستند وجود ندارند. با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که حقوق بین‌الملل در رویارویی با سلاح‌های نوین، ضعیف عمل کرده و قواعد کافی برای کنترل این تسلیحات ندارد، اما با این حال همچنان نمی‌توان از این سلاح‌ها در راستای اهداف نامشروع استفاده کرد.

---

<sup>۱</sup> Ibid., p. ۱۲, Paras. ۵۵-۶۵

## نتیجه‌گیری

مسئلاً قانونمند کردن هر سلاح جدیدی که به بازار وارد میشود یا هر سلاحی که در کارایی‌های آن اصلاحاتی داده میشود غیرممکن است؛ زیرا تعداد تسلیحات جدید یا با فناوریهای جدید همواره رو به افزایشاند. ازاینرو ایجاد و برقراری پاره‌ای قواعد اصولی میتواند نتیجه مورد درخواست را محقق کند، بدون آنکه نامی از هر سلاح برده شود. وجود معاهده‌ خاص درباره‌ این تسلیحات بیشتر از تأثیر مثبتش، تأثیر منفی دارد باتوجه به ممنوعیت ایراد خسارات پهلوی پهلوی و جراحات تصادفی، نیازی به قانونگذاری خاص درباره‌ اینگونه تسلیحات و هر سلاحی که با رشد فناوری ارتقا پیدا کرده است نیست. به رغم وجود قواعد عام و خاص در حقوق بین‌الملل درباره‌ تسلیحات نامتعارف از جمله سلاح الکترومغناطیسی، وضعیت معاهدات بین‌المللی دراین باره هنوز شفاف و بی‌چون وچرا نیست. با اینکه درباره‌ سایر تسلیحات نامتعارف نظیر تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک، توافقات خوب و قابل قبولی شکل گرفته است اما در زمینه تسلیحات الکترومغناطیسی همچنان لازم است بر اساس قواعد کلی حقوقی و قوانین مدون موجود اقدام کرد. هر چند در زمینه نیز پذیرش ایده‌ خلع سلاح تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک نیز به کندی صورت میگیرد و دولتها در برابر آن، حداکثر مقاومت را نشان میدهند.

مهمترین چالش حقوقی پیش روی سلاح‌های مغناطیسی، فقدان قوانین ویژه این سلاح هاست. لذا تعهدات دولت‌ها در ممنوعیت و محدودیت بکارگیری این سلاح‌ها مطابق قواعد و مقررات قبلی حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه قابل تبیین است. به عنوان یک قاعده کلی تسلیحات مغناطیسی نباید موجبات نقض حقوق بشردوستانه و حقوق بشر را در جریان درگیریهای مسلحانه بین‌المللی و داخلی فراهم آورند. درباره‌ تسلیحات جدید نیز هرچند حقوق بین‌الملل قادر به گام برداشتن همسو با رشد سریع آنها نیست، باتوجه به تعهدات بین‌المللی در قالب اصول حقوق مخاصمات مسلحانه، دولتها متعهد به رعایت این اصول در روند تولید و توسعه تسلیحات و فناوریهای جدید خودند که این خود محدودیتی بر حق

تولید و توسعه تسلیحات جدید به شمار می‌آید. بنابراین براساس مطالب بیان شده حق دولتها درباره تولید و توسعه تسلیحات نظامی از پس ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها قابل اثبات است و با رعایت اصول بیان شده درباره تسلیحات نامتعارف و متعارف، این حق برای دولتها به منظور حفاظت و صیانت از موجودیت خود قابل اثبات و بهره‌برداری می‌باشد. یکی از مهمترین قواعد بین المللی در زمینه مسئولیت دولت‌ها ماده ۳۶ پروتکل اول الحاقی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو است. ماده ۳۶ پروتکل اول الحاقی وظیفه نظارت بر تسلیحات جدید هر دولت را بر عهده همان دولت می‌گذارد. بدون آن که نامی از هیچ سلاح خاصی برده باشد و از دولت‌ها می‌خواهد با در نظر داشتن تعهدات بین المللی خود که در قالب اصول حقوق مخاصمات مسلحانه یا قواعد خاص درباره برخی تسلیحات است بر روند تولید، تحقیق، ارتقا یا ورود هر سلاح جدیدی به ساختار نیروهای نظامی خود نظارت کافی را داشته باشند. اگرچه ماده مزبور هنوز جنبه عرفی ندارد، اما تعداد بالای اعضای پروتکل اول الحاقی این امید را ایجاد کرده است که دولت‌های بسیاری از دریچه حقوق قراردادی، ملزم به ایفای تعهدات مذکور در ماده ۳۶ پروتکل اخیرالذکر شوند. تضمین مهم برای اجرایی شدن ماده ۳۶ پروتکل اول ماده یک این پروتکل است که مشابه ماده یک مشترک کنوانسیون‌های ژنو دولت‌های عضو را مکلف می‌کند اجرای مفاد این پروتکل را [در سراسر سرزمین خود و محدوده صلاحیت قضاییشان حتی با کمک بخش خصوصی] تضمین کنند. سایر دول نیز به موجب ماده یک پروتکل اول مکلف شده اند که اجرای این پروتکل از سوی سایر اعضا را تضمین کنند.

نگرانی دولتها از به کار بردن تسلیحاتی که روزی سبب باز شدن پای آنها به دیوان کیفری بین‌المللی شود از یک سو و نگرانی از تولید یا ارتقای تسلیحاتی که سایر دولت‌ها به سبب مغایرت آن تسلیحات با تعهدات بین المللی، حاضر به خریداری آن‌ها نباشند از سوی دیگر نیز تضمین مناسبی برای اجرای مفاد ماده ۳۶ پروتکل اول الحاقی به وسیله دولت‌هاست؛ هرچند صلاحیت دیوان کیفری بین المللی محدود به اساسنامه آن است و در آن

اساسنامه تعداد سلاح هایی که ممنوع اعلام شده اند محدود است. امید است با اجرای کامل ماده ۳۶ پروتکل اول از سوی دولت ها از ساخت تسلیحات مغایر با اصول حقوق مخاصمات مسلحانه مانند اصل تفکیک بین اهداف و افراد نظامی و غیرنظامی و اصل ممنوعیت ایراد آسیب های غیرضروری جلوگیری شود و نهایتاً حقوق مخاصمات مسلحانه به هدف محدود کردن جنگها و حمایت از غیرنظامیان نزدیک تر شود. سلاح های مغناطیسی می تواند تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین المللی باشد. لازم به ذکر است اگر چه ممکن است برخی از این سلاح ها با توجه به خلاء و یا سکوت قوانین و مقررات بین المللی به ظاهر، متعارف و قانونی محسوب شوند، ولی این به معنای مجاز بودن هرگونه استفاده از این نوع سلاح ها در راستای اهداف نامشروع برخی از کشورها نیست. در همین راستا در مورد حمله های انجام شده توسط سلاح های مغناطیس براساس عهدنامه های چهارگانه، حق طرفین در انتخاب وسایل و شیوه های مبارزه در درگیری های مسلحانه محدود است. همین مضمون در پروتکل الحاقی اول، منضم به عهدنامه های چهارگانه ژنو نیز تکرار شده است. بر این اساس استفاده از ابزار جنگی و تسلیحاتی که منجر به انجام حمله های کور به غیرنظامیان شود، ممنوع است. به علاوه در این مورد هیچ اشاره ای به نوع سلاح های مجاز و غیرمجاز به چشم نمی خورد.

## منابع و مأخذ

### الف) منابع فارسی

- گودرزی رثوف، هادی. (۱۳۹۷). تولید و توسعه تسلیحات نظامی از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل. رساله دکتری دانشگاه علامه.
- شریفی طرازکوهی، حسین؛ گودرزی رثوف، هادی. (۱۳۹۶). واکاوی حق دولت‌ها در تولید و توسعه تسلیحات نظامی حقوق بین‌الملل. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۰ (۳۶)، ۱۵۳-۱۷۹.
- سلیمان‌زاده، احمد رضا (۱۳۹۳). سلاح‌های کشتار جمعی، پژوهشکده باقرالعلوم.
- شفیعی، نوذر؛ زهرا دولت‌خواه. (۱۳۹۲). تبیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری معاهده تجارت تسلیحات. راهبرد.
- بلوچی، حیدرعلی. (۱۳۸۲). جایگاه خلع سلاح و کنترل تسلیحات در تئوری‌های روابط بین‌الملل. فصلنامه سیاست خارجی، س ۱۷، ش ۱.
- شریعت‌زاده، امید. (۱۳۸۹). طرح ابتکار امنیت تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی در حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه.
- کیانی، علی، آثار بیولوژیک امواج رادیویی و مایکروویو بر انسان، طب نظامی سال سوم شماره ۱-۲، ۱۳۸۰، ۷۹-۷۳.
- ازغندی، علی رضا و جلیل روشن دل، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها سمت، ۱۳۸۶.
- عبداللهی، محسن، تروریسم حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، تهران: شهر دانش، ۱۳۸۸،
- ممتاز، دکتر جمشید، نقش و کاربرد امروزین حقوق بین‌المللی بشر دوستانه عرفی - مجموعه مقالات همایش حقوق بین‌المللی بشر دوستانه عرفی - مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۰.
- کولب، رابرت و هاید، ریچارد، درآمدی بر حقوق مخاصمات مسلحانه - ترجمه لسانی - مجد، ۱۳۹۴.

(ب) منابع لاتین

- Polk CE. Biological effects of electromagnetic fields. ۲nd ed.Boca Raton. IL, CRC; ۱۹۹۶.P.۳۶۴-۳۷۰.
- Morgenthau, Hans Jauchim (۱۹۸۵). Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace, New York: knopf.,
- Simma, B. From bilateralism to community interest in international law ,RCADI, ۱۹۹۴,vol.۲۵۰.
- M. Laches ,The Development and General Trends of International Law in Our Time , ۱۶۹. RCADI, ۱۹۸۰,
- C.Tomushcat, Obligations Arising for States without or against Their Will ۲۴۱ RCADI (۱۹۹۳).
- Henckaerts,Jean Marie and Doswald beck Louise-۲۰۰۹-Customary international Humanitarian Law-Cambridge university press.,pp;۲۵۱-۲۹۲.
- Bassioni ,M.Ch, crimes against humanity in international criminal law, ۲nd.Rev.ed, the hague ,kluwer,۱۹۹۹;.
- M.C. Bassiouni, "From Versailles to Rwanda in Seventy-Five Years: The Need to Establish a permanent International Criminal Court", ۱۰ Harvard Human Rights Journal (۱۹۹۷).
- Sandoz, Yves and Swinarski , Christophe and Zimmermann ,Bruno-۱۹۸۷-Commentary on the Additional Protocols to the Geneva Conventions-MartinusNijhof, -Geneva.
- Blake D, Imburgia JS (۲۰۱۰) Bloodless weapons? The need to conduct legal reviews of certain weapons and the implications of defining them as 'weapons'.Air Force Law Rev ۶۶:۱۵۷-۲۰۴
- McLaughlin R (۲۰۱۱) Unmanned naval vehicles at sea: USVs, UUVs,

and the adequacy of the law. J Law Inf Sci ۲۱:۱۰۰-۱۱۵.,

- Australian Department of Defence (۲۰۰۵) Instruction (general): legal review of new weapons ۴۴-۱.,

- ICRC, ۲۰۰۶, A guide to the legal review of new weapons, means and methods of warfare: Measures to implement article ۳۶ of additional protocol ۱ of ۱۹۷۷-International Committee of the Red Cross-Geneva.

- Fry JD (۲۰۰۶) Contextualized legal reviews for the methods and means of warfare: cave combat and international humanitarian law. Columbia J Transnatl Law ۴۴:۴۵۳-۵۱۹.

- Boothby, William (۲۰۰۹) Weapons and the law of armed conflict. Oxford University Press, Oxford.

- Jacobsson, Marie -۲۰۰۶-Modern Weaponry and Warfare: The Application of article ۳۶ of additional protocol ۱ by governments-International law studies-vol. ۸۲.

- George Aldrich, Compliance with International Humanitarian Law, Int'l. Rev. Red Cross, no. ۲۸۲, May-June ۱۹۹۱, at ۳۰۱

- The Prosecutor v. Milan Martić, Case No. IT-۹۵-۱۱-R۶۱, para. ۱۷ (Decision of March ۸, ۱۹۹۶).

- Prosecutor v. Kupreskić, No. IT-۹۵-۱۶-T, Judgement, para. ۵۳۰ (Jan. ۱۴, ۲۰۰۰).